

بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های ازدواج (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ظاهری، و دموگرافیک) زوج‌های در شرف ازدواج دوم با ملاک‌های آنان در ازدواج اول

محمد بهشتیان*

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های ازدواج زوج‌های در شرف ازدواج دوم با ملاک‌های ازدواج اول آنان است. جامعه آماری این تحقیق شامل همه زوج‌هایی است که در تهران در سال ۱۳۹۴ قصد ازدواج دوم داشته‌اند. روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری در دسترس است و نمونه شامل ۵۰ زوج در شرف ازدواج در سال ۱۳۹۴ است که به مراکز مشاوره محقق مراجعه کرده‌اند. در این تحقیق ده ملاک اصلی ازدواج به وسیله پرسش‌نامه محقق ساخته بررسی شد. نتایج تحقیق نشان داد که ملاک‌های ظاهری، تحصیلات، موقعیت اقتصادی، و رضایت خانواده زنان و مردان در ازدواج اول و دوم تفاوتی ندارد. ملاک‌های فرهنگی و قومی، مذهبی، روان‌شناختی، اوضاع خانوادگی، و علایق مشترک زنان و مردان در ازدواج اول و دوم متفاوت است. هم‌چنین ملاک عشق برای زنان در ازدواج اول و دوم متفاوت است و برای مردان تفاوتی مشاهده نشد.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، ازدواج دوم، ملاک‌های ازدواج، عشق.

۱. مقدمه

خانواده گروهی از افراد است که با هم زندگی می‌کنند و از طریق ازدواج به هم پیوند خورده‌اند (Even and Nies, 2001). طی تاریخ هر جامعه‌ای خانواده اساسی‌ترین واحد خصوصاً در بخش سلامت است (Allender and Spradley, 2000).

* استادیار پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، beheshtyan.ir@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۱۴

ازدواج مهم‌ترین قدمی است که یک فرد در زندگی برمی‌دارد. این اقدام ممکن است همه زندگی فرد را از نو بسازد و یا خراب کند. ممکن است شخصیت فرد را بنا و یا متلاشی کند، می‌تواند باعث رشد هر جنبه از اخلاق و یا باعث شکست و افسردگی شود (دژکام، ۱۳۸۳). مرحله تشکیل خانواده و ازدواج اولین و مهم‌ترین مرحله در زندگی خانوادگی است و در آن انتخاب همسر صورت می‌گیرد و موفقیت در دیگر مراحل زندگی به موفقیت در این مرحله بستگی دارد (Friedman et al., 2003). در این زمینه تحقیقات نشان می‌دهد که انتخاب همسری مناسب در احساس خوش‌بختی یا بدبختی فرد نقش اساسی دارد (مظاهری، ۱۳۸۳). هم‌چنین تحقیقات نشان داده است که برای استحکام ازدواج‌ها ضروری است که طرفین معیارهای مناسبی برای انتخاب همسر تعیین کنند و به بررسی ویژگی‌های فردی و تطابق آن با معیارهای خود پردازند (پریزاده و خدیوزاده، ۱۳۸۴). محمدی اشتهاردی (۱۳۸۴) معتقد است که انتخاب همسر چه برای مرد و چه برای زن مرحله‌ای جدید و سرنوشت‌ساز است، زیرا آنان تا آخر عمر شریک هم در غم و شادی خواهند بود. ولکات (Wolcott, 1999) متذکر می‌شود که نداشتن معیارهای درست و اهمیت‌ندادن به خصوصیات و ویژگی‌های شخصیتی همسر از علل عمده طلاق محسوب می‌شود.

ازدواج سنت پیامبر است. مسئله ازدواج در نظر اسلام به قدری اهمیت دارد که پیامبر (ص) فرمودند کسی که ازدواج کند نصف دین خود را کامل کرده است.

ازدواج پیوند مشترک دو فرد با حفظ استقلال نسبی هریک در جهت تکامل شخصیت طرفین است (دیزجانی و خرامین، ۱۳۹۵). ازدواج یکی از انتخاب‌های مهم سرنوشت‌ساز هر زن و مردی است. این انتخاب یکی از مراحل و فرایندهای رشد محسوب می‌شود که در تکامل ابعاد درونی و شخصیتی انسان تأثیر مهمی دارد.

تأثیر و عمل اجتماعی ازدواج از جنبه‌های بسیاری درخور توجه است و می‌تواند بسیاری از مشکلات اجتماعی را برطرف کند. آتش‌زاده می‌نویسد: «جوانان باید در مورد ازدواج واقع‌نگر بوده و شرایط یک ازدواج موفق را بدانند» (آتش‌زاده، ۱۳۷۶).

ازدواج نقش مهمی در زندگی بشر دارد و عوامل متعددی در چگونگی کیفیت این امر مهم مؤثرند. مهم‌ترین این عوامل به شرح زیرند:

عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی (مثل مذهب، آداب و رسوم، و لباس و پوشش)، اقتصادی، اخلاقی، روانی، جسمی و ژنتیکی، سن، تحصیلات، شغل، و ... ازدواجی که بدون در نظر گرفتن عوامل فوق انجام گیرد احتمال خوش‌بختی در آن کم است. خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که بر مبنای ازدواج پایه‌ریزی شده است. جامعه خوب و

مناسب در گرو خانواده‌های منسجم و موفق است. این مقصود زمانی تحقق می‌یابد که انتخاب همسر از روی آگاهی و با توجه به معیارهای صحیح صورت گیرد. هر پژوهش یا تحقیقی در این دوره و یا برنامه‌ریزی و آموزش متناسب با نیاز جوانان می‌تواند حلال بسیاری از مشکلات جامعه باشد.

انسان طی حیات خود پیوسته در حال انتخاب است و در هر انتخاب خواسته یا ناخواسته، هشیار یا ناهشیار، ملاک‌هایی را مبنا قرار می‌دهد. تعدادی از این ملاک‌ها مختص به فرد و برخی نیز تقریباً بین همه اعضای یک گروه از نظر جنس یا نوع مشترک‌اند. ترجیحات و ملاک‌های مشترک انسان‌ها برای انتخاب همسر (mate selection preferences) مورد قبول مردم و همین‌طور بسیاری از رشته‌های علمی، از جمله جامعه‌شناسی، ژنتیک، و زیست‌شناسی تکاملی است، اما باس (Buss, 1990) معتقد است که همسرگزینی اساساً پدیده‌ای روان‌شناختی است و رشته‌های گوناگون روان‌شناسی این پدیده را از منظرهای متفاوت بررسی کرده‌اند و برای چگونگی انتخاب همسر به مواردی مانند انتخاب براساس تصادف از میان مجموعه معدودی از افراد اساساً شبیه به خود فرد، هم‌تاگزینی همسر براساس اصل شباهت، تکمیل‌کنندگی یا گرایش به انتخاب فرد مکمل، جذابیت بین‌فردی، دلایلی مانند سودبردن از روابط عاشقانه (نظریه تبادل اجتماعی) (social exchange theory)، و حفظ هماهنگی در تفکر و ارتباطات اجتماعی خود (نظریه تعادل) (balance theory) اشاره کرده است. دیدگاه زیست‌شناسی تکاملی تبیین خود درباره انتخاب همسر را به این صورت مطرح می‌کند که انسان مجذوب یکی مانند خود می‌شود تا احتمال انتقال ژن‌های خود را به حداکثر برساند. در جریان تنازع بقا، شایسته‌ترین اعضای یک گونه به اندازه کافی زنده می‌مانند که ویژگی‌های خود را به نسل بعد انتقال دهند، بنابراین نیازمند آن‌اند که همسری را انتخاب کنند که خصایصی با کیفیت بالا (high-quality mating) داشته باشد، اما ویژگی‌های فیزیولوژیک متفاوت زنان و مردان باعث می‌شود که راه‌کارهای متفاوتی برای انتقال ژن‌های خود داشته باشند. برای مثال زنان کم‌تر از مردان می‌توانند فرزند داشته باشند، زیرا حداکثر طی دوره‌ای ۲۵ ساله توانایی بچه‌دار شدن دارند و هر بارداری نیز نه ماه طول می‌کشد، اما مردان طی دوره‌ای از بلوغ تا مرگ به لحاظ نظری می‌توانند هزاران فرزند داشته باشند. به نظر می‌رسد به علت این تفاوت‌ها زنان باید انتخابی‌تر عمل کنند و با گزینش همسری که می‌تواند منابع مورد نیاز برای بقای فرزندان را تأمین کند سرمایه‌گذاری (investment) خود را به حداکثر برسانند. از سوی دیگر، مردان می‌توانند با انتخاب همسری که از سلامت و جوانی مورد نیاز برای تولیدمثل برخوردار است سرمایه‌گذاری خود را به حداکثر برسانند. با این وصف مردان

برای جذابیت جسمانی و زنان برای منابع (resources) ارزش بیش‌تری قائل می‌شوند. طبق این الگو مردان به نشانه‌های جوانی و سلامتی در همسر توجه بیش‌تری دارند، زیرا این موارد نشان‌دهنده امکان باروری بالاتر است. در حالی که زنان به‌طور کلی مردان مسن‌تر از خود را ترجیح می‌دهند، زیرا وضعیت مالی این مردان غالباً به‌گونه‌ای است که امکان فراهم کردن منابع مالی را دارند (Dunbar, 1992). مطالعه برنارد (۲۰۰۳) نیز نشان می‌دهد که دختران ترجیح می‌دهند با پسرانی ازدواج کنند که حداقل پنج یا شش سال مسن‌تر از خودشان باشند.

به استناد نظریه تکاملی و با بازگشت به نظریه داروین، زن و مرد در نتیجه فشارهای اولیه ناشی از انتخاب ترجیحات متفاوتی داشته‌اند. به‌طور کلی این نظریه حول دو محور اساسی تفاوت بین زن و مرد دور می‌زند. یکی نظریه سرمایه‌گذاری والدین، که در آن زنان در مقایسه با مردان سرمایه‌گذاری بیش‌تری در تولید نسل دارند، زیرا ژن‌های خود را به نسل‌های کم‌تری منتقل می‌کنند. از یک طرف باروری زنان از لحاظ زمانی در مقایسه با مردان محدود است و از طرف دیگر با محدودیت سنی برای باروری روبرویند. به‌بیان دیگر، سرمایه‌گذاری والدین در زنان به‌علت هزینه جایگزینی بسیار بسیار بیش‌تر از مردان است. بنابراین می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری کرد که زنان ترجیح‌های قوی‌تری برای همسرگزینی در مقایسه با مردان دارند. هم‌چنین تصور می‌شود که زنان و مردان معیارهای متفاوتی برای گزینش همسر دارند. مردان بیش‌تر به امکان بالقوه تولیدمثل در همسر (یعنی جوانی) می‌اندیشند، ولی زنان به امکان بالقوه مرد در فراهم کردن امکانات و مراقبت از خانواده فکر می‌کنند.

دوم، مسئله احتمال والدشدن است. با توجه به این‌که زنان سلول تخم بارور شده را با خود حمل می‌کنند می‌توانند مطمئن باشند که مادر فرزند خودند در صورتی که مردان نمی‌توانند به آن اندازه مطمئن باشند که فرزند مال خود آن‌هاست و بنابراین باید مطمئن شوند که این سرمایه‌گذاری مربوط به فرزند خود آن‌هاست تا فرد دیگر. بنابراین می‌توان گفت که مردان در مقایسه با زنان به هم‌آوردی جنسی حساس‌ترند و بنابراین ارزش بیش‌تری برای پاک‌دامنی همسر خود قائل‌اند. با توجه به نکات فوق ملاک‌های انتخاب همسر از دیدگاه تکاملی عبارت‌اند از:

ارزش همسری یک زن برای مرد با قابلیت تولیدمثل وی تعیین می‌شود و این قابلیت به جوانی و جذابیت ظاهری او بستگی پیدا می‌کند. پاک‌دامنی با توجه به نقش آن در افزایش احتمال اصالت و پدری مرد با ارزش است.

ارزش همسری یک مرد برای زن کم‌تر به ارزش تولیدمثل مربوط می‌شود و بیش‌تر به شواهد مربوط به امکانات یک مرد مانند استعداد کسب درآمد، بلندپروازی، و سخت‌کوشی او بستگی دارد.

زن و مرد درباره عواملی که حسادت آنان را برمی‌انگیزد با هم متفاوت‌اند. مردان بیش‌تر در زمینه خیانت در زناشویی و تهدید احتمال پدری حسادت می‌ورزند و در حالی که زنان به تعلق خاطر عاطفی و تهدید به ازدست‌رفتن منابع حساسیت دارند.

تودوسیژویک و همکاران (Todsijevic et al., 2003) پژوهشی را به منظور بررسی تفاوت معیارهای انتخاب همسر در دو جنسیت زن و مرد انجام دادند. میانگین امتیاز زنان به ترتیب به صداقت ۶/۵۳، وفاداری ۶/۳، دل‌سوزی ۵/۸۴، اعتماد ۵/۷۸، اجتماعی بودن ۵/۷۷، دقت ۵/۷۷، علاقه‌مندی ۵/۷۴، هوش ۵/۶۲، پاکیزگی ۵/۵۱، جاه‌طلبی ۵/۲۸، جوانی ۵/۱۶، جذابیت ظاهری ۵/۱۴، زیبایی ۴/۹۲، خوش‌تیپی ۴/۸۱، و تناسب اندام ۲/۳۶ بود. هم‌چنین نتایج نشان داد که زنان با وجهه اجتماعی بالا به ازدواج با مردان با وجهه اجتماعی پایین هم تمایل دارند، زنان در این پژوهش به توانایی کسب درآمد، موقعیت شغلی، و داشتن ثروت همسر اهمیت ندادند. هم‌چنین یافته‌ها حاکی از آن بود که بین وضعیت اقتصادی - اجتماعی زنان با سواد همسر، علاقه‌مندی، کار مورد علاقه، و معاشرتی بودن همسر هم‌بستگی مثبت وجود داشت.

یزدانی (۱۳۷۷) پژوهشی را به منظور بررسی معیارهای انتخاب همسر در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با جامعه آماری ۲۰۰ نفر انجام داد. نتایج این پژوهش نشان داد که ۷۹ درصد دانشجویان دختر سلامت جسمی، ۷۸ درصد دختران زیبایی، ۸۹ درصد دختران فاصله سنی، ۸۹ درصد دختران نظر والدین، و ۶۳ درصد دختران هم‌سطح بودن تحصیلات را مهم دانسته‌اند.

در پژوهشی که زارع شاه‌آبادی (۱۳۸۱) در خصوص معیارهای همسرگزینی در بین دانشجویان دانشگاه یزد انجام داد به این نتیجه رسید که فقط ۷/۶ درصد از زنان زیبایی ظاهری، ۴۱/۵ درصد سن همسر، ۹۰/۸ درصد نمازخواندن همسر، ۱۳/۹ درصد فامیل بودن همسر، ۵۵/۴ درصد هم‌شهری بودن، و ۴۴/۶ درصد داشتن زبان و قومیت یک‌سان را مهم شمرده بودند. در کل نتایج نشان داد که زنان بیش‌تر بر معیارهای مذهبی در انتخاب همسر تأکید دارند.

آمار طلاق در کشور در دهه اخیر افزایش یافته است؛ به طوری که، براساس گزارش‌های سازمان ثبت‌احوال در سال ۱۳۹۳ در شهر تهران به ازای هر سه ازدواج یک طلاق ثبت می‌شود (بحرانی، ۱۳۹۳) و اکثر این طلاق‌ها در پنج سال اول زندگی رخ می‌دهند و این زمانی است که

هنوز زن و مرد در سنین جوانی‌اند و آمادگی و تمایل به ازدواج دارند (همان). برخی از تحقیقات مؤید این مسئله است که بسیاری از زوجها اذعان می‌کنند که مشکلات منجر به طلاق آنان قبل از ازدواج هم وجود داشته که یا آنان متوجه این دلایل نبوده یا این دلایل را جدی نگرفته‌اند (همان). بر همین اساس سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا ملاک‌های این افراد برای ازدواج دوم تغییری می‌یابد؟ بدین لحاظ این پژوهش به دنبال رسیدن به پاسخ این سؤال کلی است که آیا معیارهای ازدواج زنان و مردانی که قصد ازدواج دوم دارند در مقایسه با ازدواج اولشان تغییری کرده است؟ و بر این اساس ۲۲ سؤال زیر تدوین شد:

۱. آیا میزان اهمیت ظاهر فیزیکی مرد برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
۲. آیا میزان اهمیت ظاهر فیزیکی زن برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
۳. آیا میزان رضایت خانواده خود برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
۴. آیا میزان رضایت خانواده خود برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
۵. آیا میزان تحصیلات مرد برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
۶. آیا میزان تحصیلات زن برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
۷. آیا میزان اهمیت اوضاع اقتصادی و شغل مرد برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
۸. آیا میزان اهمیت اوضاع اقتصادی و شغل زن برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
۹. آیا میزان اهمیت عوامل فرهنگی، اجتماعی، و قومیتی مرد برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
۱۰. آیا میزان اهمیت عوامل فرهنگی، اجتماعی، و قومیتی زن برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
۱۱. آیا میزان اهمیت مذهب برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
۱۲. آیا میزان اهمیت مذهب برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
۱۳. آیا میزان اهمیت ویژگی‌های روان‌شناختی مرد برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
۱۴. آیا میزان اهمیت ویژگی‌های روان‌شناختی زن برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
۱۵. آیا میزان اهمیت رضایت زناشویی برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟

۱۶. آیا میزان اهمیت رضایت زناشویی برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
۱۷. آیا میزان اهمیت عشق برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
۱۸. آیا میزان اهمیت عشق برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
۱۹. آیا میزان اهمیت علایق مشترک و شبیه‌بودن برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
۲۰. آیا میزان اهمیت علایق مشترک و شبیه‌بودن برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
۲۱. آیا میزان اهمیت اختلاف سنی برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
۲۲. آیا میزان اهمیت اختلاف سنی برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟

۲. روش پژوهش

طرح این پژوهش از نوع پیمایشی است که در سال ۱۳۹۴ و در شهر تهران انجام شد. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی زوج‌های ساکن شهر تهران است که متقاضی ازدواج دوم بودند. نمونه‌گیری به صورت داوطلبانه در دسترس بود. اعضای گروه نمونه اولیه شامل ۵۴ زوج بودند که برای مشاوره ازدواج دوم خود به مراکز مشاوره مراجعه کرده بودند و از آنان دعوت به همکاری در این تحقیق شد. از بین این ۵۴ زوج ۵۳ زن و ۵۰ مرد پرسش‌نامه تحقیق را تکمیل کردند که، برای هماهنگی بین دو گروه، همسران مردان یا زنانی که پرسش‌نامه را تکمیل نکرده بودند حذف شدند و به این ترتیب ۵۰ زوج باقی ماندند که نتایج داده‌های آنان با نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آزمون‌های دو تجزیه و تحلیل شد.

۳. ابزار گردآوری اطلاعات

۱.۳ پرسش‌نامه تعیین ملاک‌های ازدواج

این پرسش‌نامه را محقق ساخت و شامل بیست سؤال درباره مشخصات کلی و ملاک‌های اصلی انتخاب همسر بود. ملاک‌ها شامل ملاک‌های فیزیکی و ظاهری، تحصیلات، وضعیت اقتصادی، فرهنگی، قومی، مذهبی، روان‌شناختی، عشق و علاقه، مشترکات، و رضایت خانواده بودند. سؤالات پرسش‌نامه به صورتی بود که پاسخ‌دهندگان باید ده ملاک مطرح شده را به سه دسته تقسیم می‌کردند. ملاک‌های اصلی یا درجه اول، ملاک‌های مهم یا درجه دوم، و ملاک‌های غیرمهم یا درجه سوم.

۲.۳ یافته‌های پژوهش

جدول ۱ اطلاعات جمعیت‌شناسانه اعضای شرکت‌کننده در تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناسانه آزمودنی‌ها

اطلاعات کلی آزمودنی‌ها		زنان		مردان	
سن		سن در زمان ازدواج اول ۲۲/۸±۲/۹ سال		سن در زمان ازدواج اول ۲۶/۵±۳/۷	
تحصیلات	دیپلم	۴	۸٪	۵	۱۰٪
	فوق‌دیپلم	۸	۱۶٪	۶	۱۲٪
	کارشناسی	۲۶	۵۲٪	۳۰	۶۰٪
	کارشناسی ارشد	۱۰	۲۰٪	۸	۱۶٪
	دکتری	۲	۴٪	۱	۲٪
طول مدت ازدواج اول		۲/۵±۲/۲ سال		۲/۹±۲/۳ سال	

جدول ۲ خلاصه داده‌های پرسش‌نامه‌های آزمودنی‌ها را ارائه می‌دهد.

جدول ۲. خلاصه داده‌های پرسش‌نامه‌ها

ملاک‌های ازدواج	ازدواج اول (زن)	ازدواج اول (مرد)	ازدواج دوم (زن)	ازدواج دوم (مرد)
فراوانی	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد
ظاهری و فیزیکی	۲۱	۳۷	۱۶	۳۴
تحصیلات	۱۹	۱۹	۱۷	۱۶
اقتصادی و شغل	۱۷	۲۲	۳۸	۱۹
وضعیت اجتماعی - فرهنگی	۲۰	۲۱	۳۲	۲۶
مذهبی	۲۶	۱۹	۳۵	۲۶
روانشناختی، شخصیتی، و اخلاقی	۳۷	۲۶	۳۹	۳۲
رضایت خانواده	۳۰	۲۷	۲۸	۲۹
عشق	۳۹	۳۹	۲۷	۳۶
علاقه مشترک	۳۱	۲۹	۲۸	۳۷
اختلاف سنی	۱۹	۲۰	۲۹	۲۲

در جدول ۳ نتایج تحلیل آزمون خی دو و آزمون کوکران داده‌های دو گروه ارائه شده است.

جدول ۳. نتیجه تحلیل آزمون خی دو و آزمون کوکران داده‌ها در دو گروه

ملک‌های ازدواج	نتیجه آزمون خی دو (زنان) ازدواج اول و دوم	تحلیل نتیجه	نتیجه آزمون خی دو (مردان) ازدواج اول و دوم	تحلیل نتیجه
ظاهری و فیزیکی	۰/۰۴۲	تفاوت ندارد	۰/۰۲۸	تفاوت دارد
رضایت خانواده	۰/۰۳۷	تفاوت ندارد	۰/۰۱۱	تفاوت ندارد
تحصیلات	۰/۰۱۸	تفاوت ندارد	۰/۰۶۵	تفاوت ندارد
اقتصادی	۰/۰۰۹	تفاوت دارد	۰/۰۲۷	تفاوت ندارد
اجتماعی، فرهنگی، و قومیتی	۰/۱۵	تفاوت دارد	۰/۳۶	تفاوت دارد
مذهبی	۰/۲۷	تفاوت دارد	۰/۸۴	تفاوت دارد
روان‌شناختی، شخصیتی، و اخلاقی	۰/۳۷	تفاوت دارد	۰/۵۱	تفاوت دارد
هم‌سطح بودن خانواده‌ها	۰/۱۸	تفاوت ندارد	۰/۲۶	تفاوت دارد
عشق	۰/۱۲	تفاوت دارد	۰/۰۰۷	تفاوت دارد
علاقه مشترک و شبیه‌بودن	۰/۹۵	تفاوت دارد	۰/۳۷	تفاوت ندارد
اختلاف سنی	۰/۰۱۵	تفاوت دارد	۰/۰۲	تفاوت دارد

با توجه به نتایج در تحلیل خی دو، پاسخ به سؤالات تحقیق براساس سطح معنی‌داری ۰/۰۱ به شرح زیر ارزیابی می‌شود:

میزان اهمیت ظاهر و فیزیک همسر برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوتی ندارد، ولی برای زنان تفاوت معنادار دارد. میزان اهمیت رضایت خانواده خود برای زنان و مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت ندارد. میزان اهمیت تحصیلات همسر برای مردان و زنان در ازدواج اول و دوم تفاوتی ندارد. میزان اهمیت اوضاع اقتصادی و شغل برای مردان بی‌تفاوت و برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد. میزان اهمیت عوامل فرهنگی، اجتماعی، و قومی برای مردان و زنان در ازدواج اول و دوم متفاوت است. میزان اهمیت مذهب برای زنان و مردان در ازدواج اول و دوم متفاوت است. میزان اهمیت عوامل روان‌شناختی و شخصیتی برای زنان و مردان در ازدواج اول و دوم متفاوت است. میزان اهمیت عشق و علاقه برای زنان و مردان در ازدواج اول و دوم متفاوت است، و در نهایت میزان اهمیت شبیه‌بودن علاقه برای زنان و مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت ندارد.

۴. نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج این تحقیق می‌توان گفت که زوج‌ها در ازدواج دوم پخته‌تر عمل می‌کنند و ملاک‌های آنان از ازدواج احساسی به سمت ازدواج عقلانی حرکت می‌کند.

همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، براساس نظریه تکاملی، مردان بیش از زنان به مسائل ظاهری اهمیت می‌دهند (Buss, 1989) و این مسئله مؤید آن است که مردان در ازدواج مجدد هم ملاک ظاهر برایشان اهمیت دارد، اما با توجه به یافته‌های پژوهشی این اهمیت در ازدواج دوم برای زنان کم‌تر شده است. انتخاب همسر سالم نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامتی فرزندان خواهد داشت. خصایصی چون سلامت جسم و روان، هوش، ذکاوت، و ویژگی‌های ظاهری مانند قد، رنگ پوست، و مو به‌طور ژنتیکی به نسل بعدی منتقل خواهد شد. هرچند لحاظ کردن این ویژگی‌ها تضمینی برای زندگی زناشویی پایدار نیست، اما مردان و زنان به درجات گوناگون درباره هر یک از این ویژگی‌ها حساسیت خاص نشان می‌دهند؛ البته این نگرش می‌تواند تا حدودی ناشی از ارزش‌ها و باورهای حاکم بر جامعه و سطح دانش و آگاهی مردم باشد؛ به‌طوری که آموزش‌های فرهنگی در فرایند جامعه‌پذیری تأثیرات شایانی در تفکر آنان درباره ازدواج دارد، هم‌چنین براساس این مطالعه تحصیلات دانشگاهی و انتخاب همسر سالم تأثیر تعیین‌کننده‌ای در سلامت فرزندان خواهد داشت. این آموزش‌ها که بر پاره‌ای خواص ظاهری زن تأکید دارند از یک طرف و عملکرد جامعه در قبال افراد با ظواهر متفاوت از طرف دیگر در شکل‌گیری این گونه تفکرات بی‌تأثیر نخواهد بود. یافته‌های مطالعه حاضر با یافته‌های مطالعات فین‌گلد در امریکا هم‌خوانی دارد. در این مطالعه پژوهش‌گر دریافت که مردان در مقایسه با زنان زیبایی و جذابیت جسمی را ضروری‌ترین ویژگی همسر آینده خود قلمداد کرده‌اند.

نکته جالب توجه در این مطالعه درباره دریافت‌های مربوط به معیارهای زیست‌شناختی (نظیر سلامت جسمانی، زیبایی، جذابیت ظاهری، و سن) هم‌سویی زنان و مردان پس از ازدواج است. چنین به‌نظر می‌رسد که آنان در بدو ازدواج به‌علت ناآشنایی با یک‌دیگر و براساس تجربه و یادگیری‌های اجتماعی خود معیارهای زیست‌شناختی متفاوتی را برای انتخاب همسر خود مدنظر داشته‌اند که به‌تدریج پس از یک سال این تفاوت‌ها کاهش یافته است و افراد کم‌تر بر این‌گونه عوامل تأکید ورزیده‌اند. این شباهت شاید به این علت باشد که آنان از یک‌دیگر شناخت واقعی بیش‌تری پیدا کرده و معیارهای زیست‌شناختی را به‌منزله اولویت مشخص نکرده‌اند؛ یا این‌که به‌علت قبول مسئولیت‌های جدید زندگی و درگیری با زندگی روزمره فرصتی برای فکر کردن به این شاخص‌ها نداشته‌اند. شاید هم این

شباهت‌ها واقعی باشند و دختران و پسران پس از ازدواج بر تفاوت‌هایی که در قبال آن حق انتخابی ندارند توافق کرده باشند.

با توجه به آنچه گفته شد، مطالعه برنارد (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که دختران ترجیح می‌دهند با پسرانی ازدواج کنند که حداقل پنج یا شش سال مسن‌تر از خودشان باشند. شافروکیت (۱۹۹۹) نیز وزن را عاملی تعیین‌کننده در انتخاب همسر از دید زنان امریکایی معرفی می‌کند.

از دیرباز عشق و علاقه طرفین، انعطاف‌پذیری، برخورد صحیح با مسائل زندگی، رفتار مطلوب درون خانواده، ارتباط اجتماعی سالم، سازگاری فردی، شناخت واقعی طرفین از یکدیگر، و توافق بر سر فعالیت‌های ذوقی و هنری در حکم شاخص‌های روان‌شناختی در تصمیم‌گیری افراد برای انتخاب شریک زندگی تأثیر بسیاری داشته‌اند. از دیرباز ازدواج نوعی پیوند عاطفی و اجتماعی مبتنی بر توافق و سازش بین دو جنسیت مخالف برای تأمین نیازهای روانی، جسمی، و اجتماعی و پیش‌گیری از انحرافات و ناهنجاری‌های فکری و اجتماعی تلقی شده است (فتحی آشتیانی، ۱۳۸۴). منشأ رابطه صمیمی بین زن و شوهر عشق و علاقه طرفین به یکدیگر است. آنان ممکن است از نظر ایدئولوژی، احساس، و تفکر با یکدیگر تفاوت داشته باشند، اما با شناخت متقابل که در پرتو رابطه‌ای عاطفی و شخصیتی انعطاف‌پذیر به دست می‌آید امکان زندگی مسالمت‌آمیز فراهم خواهد شد.

روابط صمیمانه با یک شریک، یار، و یاور سهم مهمی در سلامت روانی و جسمی خواهد داشت. تجلی صمیمیت و عشق در سایه روابط زناشویی همکاری، هم‌راهی، هم‌دردی، یگانگی، نیرومندی، و پذیرش متقابل را به هم‌راه خواهد آورد. در حکم امری بدیهی چنین خصایصی افراد را در قبال آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی ایمن خواهد کرد و کانون خانواده را در برابر «ازهم‌پاشیدگی» محفوظ نگه خواهد داشت. فضایل اخلاقی و معنوی در زن و مرد که آمیخته به صداقت، گذشت، درستی، و فداکاری باشد موجب سلامت و آرامش خاطر افراد و خانواده خواهد شد. در تعالیم دینی اسلام بارها بر حسن خلق و اخلاق پسندیده زوج‌ها در موفقیت زندگی زناشویی تأکید شده است (همان). به اعتقاد یزدانی دختران بیش از پسران به خصایص روان‌شناختی به‌ویژه سازگاری و هم‌دلی اهمیت می‌دهند (نوری، ۱۳۸۸). در مطالعه حاضر نیز چنین مشاهده می‌شود که دختران بیش‌تر بر ویژگی‌هایی چون عشق و علاقه، اخلاق فردی، و سازگاری تأکید داشته‌اند. به مرور زمان و پس از گذشت یک سال نوعی هم‌سویی بین دو جنسیت مشاهده می‌شود و ظاهراً معیارهای روان‌شناختی به‌طور یک‌سان برای هر دو طرف اهمیت پیدا

می‌کند. چنین شباهتی ممکن است واقعی باشد یعنی این که آن‌ها به آنچه می‌اندیشیده‌اند دست یافته‌اند. برعکس ممکن است پس از گذشت یک سال این موضوع برایشان اهمیت چندانی نداشته باشد. با این حال، با دید خوش‌بینانه می‌توان تشابه حاضر را نوعی وفاق و هم‌سوئی بر سر مسائل زندگی زناشویی بین زوج‌ها توصیف کرد.

معمولاً افراد در جست‌وجوی شریکی‌اند که از لحاظ نژادی، اجتماعی، و مذهبی با آنان شباهت داشته باشد. این که در این مطالعه مردان بر پارامترهای زیست‌شناختی بیش از زنان تأکید ورزیده‌اند تا حدودی طبیعی است، زیرا به اعتقاد نویسنده مردان زودتر از زنان عاشق می‌شوند و تحت تأثیر خصلت‌های ظاهری قرار می‌گیرند. از سوی دیگر زنان در این که با چه کسی ازدواج می‌کنند کاراندیش‌تر و محتاط‌ترند و اصولاً معیارهای اجتماعی برای آنان اهمیت بسیاری دارد (منادی، ۱۳۸۳).

پژوهش‌گران به این نتیجه رسیده‌اند که ارزش‌های اجتماعی مشترک به‌ویژه زبان مشترک در تعامل بین افراد از جمله روابط صمیمی زن و شوهر سهم به‌سزایی دارد. شیوه‌های تربیتی هم‌سان خانواده دختر و پسر ناشی از تشابهات فرهنگی آن‌هاست و هر چه این تشابهات کم‌تر باشد احتمال اوج‌گیری اختلافات و درگیری‌های زن و مرد در زندگی زناشویی افزایش خواهد یافت. اختلافات فرهنگی زوج‌ها یکی از عوامل طلاق نیز به‌شمار می‌رود (نظری، ۱۳۸۵).

یکی از عوامل اجتماعی که در سازگاری زناشویی درخور توجه بوده است تشابهات عقیدتی و دینی است. در متون اسلامی به همه جوانان توصیه شده است تا تقوا، نجابت، اصالت، و دین‌داری را به جای مال و ظاهر فیزیکی در انتخاب همسر مدنظر قرار دهند. مفسران دینی بر این عقیده‌اند که داشتن وجه مشترک دینی افراد را از ارتکاب بسیاری از اعمال خلاف بازمی‌دارد، زیرا مذهب یکی از مهم‌ترین جلوه‌های لطیف ذهن انسان است که از سرچشمه‌های معنوی و الهی تغذیه می‌کند (نوری، ۱۳۸۸). برخی از محققان معتقدند که باورهای دینی سرچشمه تلقینات جمعی است و اختلاف در باورهای دینی زوج‌ها به اختلافات شدید زناشویی خواهد انجامید. آنان تشابهات دینی و اعتقادی را در تربیت کودک ضروری می‌دانند و معتقدند که گرایش‌های دینی غیرهم‌سو در بین والدین زمینه‌ساز تضاد و چندگانگی در کودک خواهد بود. در خانواده‌های اصیل پدران و مادران می‌کوشند تا از نظر اخلاقی و رفتاری برای فرزندان خود الگو باشند. کودکانی که در چنین خانواده‌هایی پرورش می‌یابند سجایای اخلاقی را از پدر و مادر خود به‌ارث می‌برند و مهارت‌های کافی را برای برخورد با دشواری‌های زندگی کسب می‌کنند (عبدالله‌زاده، ۱۳۸۴).

از دیگر معیارهای اجتماعی شغل و تحصیلات افراد است. از آنجا که شخصیت انسان ناشی از وراثت و محیط است، فرد در هر محیطی که رشد کرده باشد خصوصیات همان طبقه یا محیط را به خود می‌گیرد و براساس آن عادات و روش‌های آموخته‌شده رفتار می‌کند. میزان تحصیلات در رشته تحصیلی افراد تا حد بسیاری تعیین‌کننده شغل آنان خواهد بود و اختیارکردن شغل جایگاه اجتماعی افراد را تثبیت می‌کند. در این مطالعه زنان به‌طور آشکاری علاقه وافر خود را برای ازدواج با همسری دارای تحصیلات بالا ابراز داشته‌اند. این طرز تفکر می‌تواند به این علت نیز باشد که در مطالعه حاضر سطح تحصیل زنان بالاتر از مردان بود و اصولاً زنان تحصیل کرده کم‌تر با افرادی که از نظر تحصیلی پایین‌تر از خودشان باشند ازدواج می‌کنند. داشتن تحصیلات برابر حداقل شرط لازم برای برقراری یک ارتباط فکری بین دو نفر هم‌چنین بحث و مجادله در خصوص مقوله‌های مشترک است.

سطح تحصیلات و شغل در شکل‌گیری نوع روابط اجتماعی افراد نیز تأثیر به‌سزایی دارد. کم‌تر اتفاق می‌افتد که افراد با تحصیلات و مشاغل نابرابر اهداف مشترکی داشته باشند و مصمم به تشکیل گروه‌های اجتماعی برای تأمین نیازهای خود باشند. دخترانی که علاقه‌مند به ازدواج با پسران تحصیل کرده‌اند شاید این‌گونه تصور کنند که مردان به‌علت تحصیلات بالا از ظرفیت منطقی و علمی بالایی نیز برخوردارند. در خصوص شغل، یافته‌های این مطالعه با مطالعاتی که در ایران انجام شده است مشابهت دارد، زیرا که در همه مطالعات فوق زنان درباره شغل و تحصیلات بالای همسر آینده خود حساسیت داشته‌اند (ساروخانی، ۱۳۸۰؛ عطاری، ۱۳۸۵). نکته جالبی که در این مطالعه دیده می‌شود آن است که زنان و مردان به‌طور یک‌سان رضایت والدین را لحاظ کرده‌اند که این امری طبیعی و فرهنگی در جامعه ایرانی است و مهریار و تشکری (۱۳۷۴) نیز به نتیجه مشابهی رسیده‌اند (عطاری، ۱۳۸۶).

در جامعه امروز با پیش‌رفت علم و زندگی ماشینی رقابت‌ها شدیدتر شده است و انسان‌ها همواره در جست‌وجوی رفاه‌اند. وانگهی بالارفتن سطح تحصیلات دختران از یک طرف و ناکارآمدبودن درآمد پسران از طرف دیگر ضرورت همکاری زن را در اداره امور زندگی با داشتن شغل و درآمد ثابت بیش از پیش محسوس می‌کند، هرچند از پیامدهای نقش دوگانه زن در این گیرودار کم‌تر سخن به‌میان می‌آید، اما چنین به‌نظر می‌رسد که مردان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از اشتغال زنان ناراضی نیستند. در هر حال برای حفظ حقوق زن و حمایت‌های اجتماعی از او در اسلام مهر مشخص شده است تا در اوضاع بحران و نابهنجاری که مردی در کنار او نباشد و یا از حمایت اجتماعی او دست بردارد

زن بتواند از آن بهره جوید. در مطالعه حاضر، پسران درباره وضعیت مالی دختر و مهریه متعادل حساسیت نشان داده‌اند. با دیدی مثبت می‌توان این نگرش را مرتبط با تغییر ارزش‌های مالی و ارزش‌های معنوی و انسانی تعبیر کرد و با دیدی جمعی آن را می‌توان به ارزش‌های حاکم و جاری در سطح جامعه ربط داد. امروزه به‌علت مشکلات اشتغال و روآوردن پسران به مشاغل آزاد نگرش و ارزش‌های آنان نیز تغییر یافته است و اصرار پسران در این زمینه می‌تواند حاکی از جهان‌بینی شغلی آنان باشد. در هر حال اصرار دختران بر استقلال مالی پسر نشان‌دهنده نگرانی آنان از زندگی در نظامی مشترک است که از آن آگاهی کم‌تری دارند و هنوز به آن اطمینان کافی ندارند.

یافته‌های مطالعه حاضر می‌تواند در بعد پیش‌گیری اولیه از طلاق و آسیب‌های اجتماعی کاربرد داشته باشد. در آموزش بهداشت روان ازدواج ضروری است تا شاخص‌های انتخاب همسر به تفصیل بحث و بررسی شود. چه‌بسا که از طریق این گونه آموزش‌ها افراد بتوانند همسر آینده خود را با آگاهی و شناخت بیشتر انتخاب کنند. وانگهی یافته‌های مطالعه حاکی از آن است که این متغیرها در حال تغییرند و به تناسب تعامل آن‌ها رشد فکری، عاطفی، و اجتماعی در زوج‌ها ایجاد می‌شود و ملاک‌های انتخاب همسر خود را واقع‌بینانه‌تر به کار خواهند بست؛ بنابراین توصیه می‌شود به‌منظور جلوگیری از مشکلات زناشویی و مخصوصاً طلاق دختران و پسران در دوره نامزدی درباره یک‌دیگر شناخت دقیق‌تری پیدا کنند.

گسترده‌کردن نمونه‌گیری و نمونه‌گیری تصادفی و انتخاب اعضای نمونه از زوج‌هایی که به مراکز مشاوره مراجعه نکرده‌اند تحقیقاتی است که پیش‌نهاد می‌شود در ادامه این تحقیق انجام شود.

کتاب‌نامه

- ابراهیمی، نسترن (۱۳۸۷). «بررسی تأثیر آموزش و انتخاب و کنترل گلاسر بر آزار عاطفی زوجین در شهر اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- بحرانی، محمود (۱۳۹۳). «بررسی آمارهای ازدواج و طلاق زوج‌های ایرانی در پنج دهه گذشته»، فصل‌نامه جمعیت، ش ۸۵
- برزگر، ناصر (۱۳۸۵). «بررسی اعتبار و روایی سیاهه ارزیابی آمادگی ازدواج اشتنبرگ (PMI)»، شورای تحقیقات کاربردی دانشگاه‌های استان زنجان.
- برک، لورا، ای. (۱۳۸۷). *روانشناسی رشد*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: ارسباران.

- تابع جماعت، محمدرضا (۱۳۸۶). «پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دل‌بستگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- جانسون، سوزان و والر ای. ویفن (۱۳۸۸). *فرایندهای دل‌بستگی در زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی*، ترجمه فاطمه بهرامی، عذری اعتمادی، سعیده بطلانی، روناک عشقی، مهنازجوکار، محمدمسعود دیاریان، ناصر یوسفی، شیوا رضوان، پریسان یلفروشان، علی نویدیان، اعظم صالحی، تهران: دانژه.
- حسینی، سیدشایسته (۱۳۸۸). «اثر بخشی آموزشی مؤلفه‌های درون‌فردی و بین‌فردی هوش هیجانی بر سبک‌های دل‌بستگی در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر رشت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- دوست‌محمدی، یحیی (۱۳۸۹). «بررسی رابطه سبک‌های دل‌بستگی و ابعاد سه‌گانه عشق اشتهرنگر با سازگاری زناشویی در بین معلمان متأهل شاغل در آموزش و پرورش شهر شهریار، سال تحصیلی ۸۹-۸۸»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبائی.
- دیزجانی، فاطمه و شیرعلی خرامین (۱۳۹۵). «تأثیر واقعیت درمان بر رضایت زناشویی»، *مجله ارمغان دانش*، دوره بیست‌ویکم، ش ۲.
- ستیر، ویرجینیا (۱۳۸۸). *آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده*، ترجمه بهروز بیرشک، تهران: رشد.
- شریفی، ماندانا (۱۳۷۹). «بررسی رابطه سبک‌های دل‌بستگی با انواع مکانیزم‌های دفاعی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- صابری زفرقندی، زهره (۱۳۸۸). «بررسی رابطه سبک‌های دل‌بستگی و خویش‌پنداری با رضایت زناشویی معلمان متأهل شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.
- عارفی، مختار، شکوه نوایی‌نژاد، و باقر ثنایی (۱۳۸۵). «بررسی رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی با کیفیت دوستی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر کرمانشاه»، *فصل‌نامه علمی - پژوهشی انجمن مشاوره ایران*، ج ۵، ش ۱۸، تابستان.
- نظری، علی‌محمد و شکوه نوایی‌نژاد (۱۳۸۵). «بررسی تأثیر مشاوران راه‌محور بر رضایت زناشویی زوجین هر دو شاغل»، *فصل‌نامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ج ۵، ش ۲۰.
- نوری، نسیم (۱۳۸۸). «رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و نگرش افراد به عشق و تأثیر آن‌ها بر معیارهای ازدواج»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

Abdullah Zadeh (2005). 'Investigated the Relationship between Personality Characteristics and Marital Satisfaction in Couples Damghan', Senior Thesis, Tabriz University, Tabriz, (Persian).

Ahmad, Kh. (2005). 'The Effect of Intervention on Lifestyle Changes to Reduce Marital Conflict', Ph.D. Thesis, Tehran: Allameh Tabatabai (Persian).

Attari, Y.A., A. Amanollahifard, and M. Mehrbizadeh Honarmand (2006). 'Relationship between Personality Characteristics and Individual Factors: A Family with Marital Satisfaction in the State Personnel Office in Ahvaz', *J Sci Educ psycho*, Vol. 3 (Persian).

- Bradbery, N.T., D.F. Fincham, and R.S. Beack (2005). 'Research on the Nature and Determinants of Marital Satisfaction: A Decade in Review', *Journal of Marriage and Family*, Vol. 62.
- Bratter, Jenifer L. and Karl Eschbach (2006). 'What about the Couple? Interracial Marriage and Psychological Distress', *Journal of Social Science Research*, Vol. 35.
- Buss, D.M. (1989). 'Sex Differences in Human Mate Preferences: Evolutionary Hypotheses Tested in 37 Cultures', *Behav Brain Sci*, Vol. 12.
- Buss, D.M. (1990). 'International Preferences in Selecting Mates: A Study of 37 Cultures', *J Cross Culture Psychol*, 21(1).
- Epstein, B. et al. (2005). 'Relationship Standards and Marital Satisfaction in Chinese and American Couples', *Journal of Marital and Family Therapy*, Vol. 31.
- Fathi Ashtiani, A. and Kh. Ahmad (2005). 'Of Successful and Unsuccessful Marriages among Students', *Academic Journal-Journal of Shahed University*, No. 7 (Persian).
- Goldenberg, Irene and Herbert Goldenberg (2000). *Family Therapy*, trans. Shahi Baravat, Classification of S. Hussein and Venerable Inspiring, US: Brooks Cole (Pertion).
- Jonsson, F.H. (2000). 'Parental Divorce: Long-term Effects on Mental Health', *Family Relations and Adult Sexual Behavior*, Vol. 41.
- Kenrick, D.T. and R.C. Keefe (1992). 'Age Preferences in Mates Reflect Sex Differences in Human Reproductive Strategies', *Behav Brain Sci*, Vol. 15.
- Martin, P.d., D. Martin, and M. Martin (2001). 'Adolescent Premarital Sexual Activity, Cohabitation, and Attitudes Toward Marriage', *Adolescence*, 36 (143).
- Mikulincer, M. and P. R. Shaver (2003). 'The Attachment Behavior System in Adulthood: Activation, Psychodynamics, and Interpersonal', in M.P. Janna (ed.), *Advances in Experimental Social Psychology*, Vol. 35, NewYork: Academic Press.
- Monadi, M. (1383). 'Conceptions and Definitions of the Same Couples in Marital Satisfaction from the Perspective of Women', *Women's Studies*, No. 4.
- Olsson, David. H. (2001). 'Personal Communication Cited in Stanley, Making a Case for Premarital Education', *Family Relations*, Vol. 50.
- Otta, E. et al. (1999). 'Age Differences between Spouses in a Brazilian Marriage Sample', *Evol Hum Behav*, Vol. 20.
- Root, M. (2001). *Loves Revolution*, Philadelphia, PA.: Temple University Press.
- Rosen-Grandon, D.R., D. E. Meyers, and D.A. Hattic (2004). 'The Relationship between Marital Characteristic, Marital Interaction Process and Marital Satisfaction', *Journal of Counseling and Development*, 82 (1).
- Sarokhany, B. (2001). *Introduction to Family Sociology*, Tehran: Soroush (Persian).
- Shakerian, A.T.A., Adel Fatemi, and Mukhtar Farhadian (1390). 'Relationship between Personality Characteristics and Marital Satisfaction', *Journal of Kurdistan University of Medical Sciences*, No. 16.
- Sherkat, D.E. (2004). 'Religious Inter-marriage in the United States: Trends, Patterns, and Predictors', *Journal of Social Science Research*, 90(3).

Shiota, M.N. and R.W. Levenson (2007). 'Birds of Feeder Don't Always Fly Farthers: Similarity in Big Five Personality Predicts More Negative Marital Satisfaction Trajectories in Long Term Marriages', *Journal of Psychology and Aging*, Vol. 22.

Waynforth, D. and R.I.M. Dunbar (1995). 'Conditional Mate Choice Strategies in Humans: Evidence from Lonely Hearts Advertisements', *Behavior*, Vol. 132.